

## رفیق سعید بازرگان

رفیق سعید در سال 1329 در روستای باعداداران از توابع اصفهان به دنیا آمد و دوران کودکی خود را در زادگاه خود گذراند. پس از پایان تحصیلات متوسطه به عنوان سپاهی دانش عازم روستاها شد و در این دوره اولین تجربیات کار سیاسی را با آگاهگری در میان کودکان روستائی به دست آورد. پس از خاتمه دوره سپاهی به استخدام وزارت نیرو در آمده و در شرکت توانیر در اصفهان مشغول به کار شد و در همان حال موفق به ورود به دانشگاه و ادامه تحصیل گردید.

در سال 1354 وی اولین رویارویی خود را با پلیس سیاسی رژیم شاه با موفقیت پشت سر گذاشت: ساواک با دستگیری سعید حساسیت خود را نسبت به چهره ای نشان می داد که می رفت نقشی فعال در مبارزه بر علیه رژیم ستم شاهی به عهده گیرد. با شروع جنبش توده ای، رفیق سعید استعداد بارز خود را در سازماندهی مبارزات کارگری به کار گرفت و به عنوان یکی از سازمان دهندگان اصلی اعتصابات توانیر اصفهان که با قطع برق نقش مهمی در فلج کردن حکومت نظامی ایفا می کرد، در پیشاپیش حرکات کارگری و به عنوان سازمانده این حرکات شناخته شد؛ تا جایی که نام وی در لیست سپاهی قرار گرفت که توسط حکومت نظامی ناجی تبه کار - فرماندار نظامی اصفهان - تهیه شده بود.

پس از پیروزی قیام بهمن، سعید به سازمان دهی جنبش شورائی پرداخت و در شرکت توانیر اصفهان از پایه گذاران " شورای مستقل کارکنان توانیر" بود. این شورا با تلاش سعید در جلب کارگران سایر نیروگاه ها، تبدیل به یک شورای سراسری نیروگاه ها شد که نا مدت ها به فعالیت مستقل خود ادامه داد.

با اعلام موجودیت " راه کارگر"، رفیق سعید به سازمان ما پیوست و در بخش کارگری اصفهان به فعالیت ادامه داد. در این دوره تلاش رفیق سعید معطوف به پایه ریزی تشکل های پایدار کارگری و از جمله " شرکت تعاونی مصرف"، " شرکت تعاونی مسکن" و " شرکت تعاونی اعتبار" کارگران توانیر بود. نقش سعید در مبارزه برای متشکل کردن کارگران و در رهبری مبارزات کارگری، از وی یک چهره محبوب و یک رهبر کارگری توانا و یک کمونیست جدی و پر تلاش ساخته بود، و این نمی توانست عکس العمل ارتجاع ولایت فقیه و کینهه طبقاتی وی را برنیانگیزد.

حساسیت مزدوران جمهوری اسلامی در شرکت توانیر نسبت به کار سعید به حدی بود که تمام تلاش خود را صرف ضربه زدن به وجهه وی می نمودند. با دستگیری سعید (که نام تشکیلاتی اش امیر بود) در 14 شهریور 1360، ارتجاع به خیال خود فرصت مناسب را برای تصفیه حساب با سعید به دست آورد: در فاصله 53 روز شکنجه در زندان کمیته و شهربانی اصفهان، دشمن از اعمال هیچ سبعیتی در مورد سعید خودداری نکرد، اما زندانیانی که در آن روزها سعید را با بدن کبود و خونین و مشت گره کرده در هنگام حمل روی برانکارد دیده اند، بر سربلندی وی در آخرین نبردش، گواهی داده اند. سعید با روحیه عالی و چهره مصمم بر چهره درمانده جلادان ولایت فقیه توف انداخت و آنان را در تلاش برای کسب اطلاعات ناکام کرد و به همین دلیل از شکنجه گاه مستقیماً روانه میدان تیرباران شد.

پس از شهادت رفیق سعید، کارگران برق اصفهان به نشانه اعتراض و ابراز هم بستگی اقدام به قطع برق قسمت هائی از شهر کردند و دوستان و آشنایان و اهالی زادگاه وی، برای ابراز همدردی به دیدار خانواده وی شتافتند و بدین وسیله خاطره وی را گرامی داشتند. این عکس العمل همکاران سعید و کسانی که وی را می شناختند، و همچنین روحیه عالی مادر رفیق که حاضر نبود در شهادت فرزند خود گریه کند، تمثیل وار، حاصل کار سعید در میان کارگران و سایر اقشار مردم بود. کارگران برق او را به مثابه رهبر برجسته خود در آخرین نبردش همراهی کردند و بدین سان رشد آگاهی طبقاتی خود و آمادگی برای پیمودن راه سعید - راه سوسیالیسم و رهائی کارگران از ستم و استثمار- را به نمایش گذاشتند. بذری که سعید در میان کارگران پاشیده بود، پشت قدم هایش جوانه زد و دیری نخواهد پاید تا به بار بنشیند.